

موازنه مصرف منابع

صادرات ثروت از زمین فقر

اگر دانش فنی، آنگونه که در اروپا حاکم است در آفریقا بود، امروز قاره سیاه، ثروتمندترین قاره جهان بود.

تجارت بین‌المللی منابع طبیعی و تولید محصولات وابسته به آن در دهه اخیر به شدت افزایش یافته است و این در حالی است که مصرف این تولیدات، اغلب در کشورهای بسیار دورتر از منابع و معادن تولیدی صورت می‌گیرد. این امر به دو موضوع در جهان منجر می‌شود که توجه به آن در راستای بررسی توزیع درآمدهای جهانی با اهمیت است. موضوع اول، استخراج مواد از کشورهای است که دارنده مواد و منابع طبیعی هستند و از راه صادرات این مواد به کشورهای توسعه یافته و صنعتی کسب درآمد می‌کنند و موضوع دیگر، استفاده کشورهای توسعه یافته از مواد اولیه و منابع طبیعی و معدنی در تولید محصولات است که همین محصولات نیز به صورت معکوس، به کشورهای جهان سوم صادر می‌شوند. این امر حکایت از ناتوانی کشورهای در حال توسعه در دسترسی به دانش فنی تبدیل و استفاده از مزایای ناشی از منابع تولید دارد. لذا ناتوانی کشورهای جهان سوم در تبدیل منابع به ارزش افزوده، منجر به نیاز شدید آنان به واردات محصولات و خام‌فروشی منابع اولیه تولید بدون ایجاد رفاه کافی و به قیمتی پایین‌تر از ارزش واقعی این منابع می‌گردد.

نتیجه این امر توزیع ناعادلانه درآمدها در جهان است. طی ۵۰ سال گذشته به طور نگران‌کننده‌ای، میزان تجارت مواد خام و معدنی افزایش یافته است. از سال ۱۹۵۰ حجم تجارت بین‌المللی در حدود ۶ درصد در هر سال افزایش یافته و در مقایسه با سال ۱۹۵۰، طی برآوردهای ارزش کل تجارت جهانی مواد خام ۶۰ برابر بیشتر از تولیدات کارخانه‌ای، ۱۰ برابر بیش از ارزش سوخت و مواد معدنی و ۷۵ برابر بیشتر از ارزش محصولات کشاورزی شده است. به دلیل نیاز جامعه جهانی به انتقال مواد خام تولیدی به کشورهای تولیدکننده، حمل و نقل بین‌المللی منجر

میزان استخراج است و این موضوع مبین صادرات بخش اعظم مواد خام به سایر کشورها است. در عوض، کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی در نقطه عکس قرار دارند و حتی اروپا، بیش از استخراج این منابع، مصرف می‌کند که همانگونه که پیشتر گفتیم، این امر تنها با واردات منابع میسر است. آفریقا با وجود دارا بودن بیشترین منابع طبیعی و مواد معدنی و خام دنیا، تقریباً به ۷ کیلوگرم مواد خام برای خلق هر دلار محصول ناخالص داخلی نیازمند است. این امر نشان از کارایی پایین کشورهای آفریقایی در خلق ارزش افزوده تولید دارد. به این ترتیب، آفریقا قاره صادرات مواد خام به سایر کشورهای جهان است و این قاره، مصرف‌کننده مواد خام نیست، بلکه استخراج‌کننده و صادرکننده صرف آن محسوب می‌شود. شبیه این واقعیت در آمریکای لاتین و اقیانوسیه نیز تا حدودی حاکم است، ولی با این تفاوت که میزان مصرف این کشورها، اختلاف چندانی با میزان استخراج آنان ندارد و به عبارت دیگر استخراج‌کننده و مصرف‌کننده هستند.

آمریکای شمالی و اروپا روند معکوسی را در این بین تجربه می‌کنند. در این کشورها، میزان استخراج مواد خام کمتر از میزان مصرف آن می‌باشد و این کشورها واردکننده مواد خام هستند. این امر نشان از کارایی بالای تولید و توازن منابع و مصارف آنان در جهت تقویت تولید دارد. برنامه‌های قابل توجهی که طی دهه‌های اخیر برای افزایش کارایی مصرف منابع و انرژی در جهان پایه‌ریزی شده، نتوانسته‌اند معضلات زیست‌محیطی مرتبط با نحوه و میزان استفاده کشورها را از منابع طبیعی حل کنند.

یکی از دلایل این امر به موضوعی تحت عنوان اثرات ارتجاعی بر می‌گردد. وقتی واحدهای تولیدی بتوانند به کاهش مصرف انرژی و مواد خام تولیدی مبادرت کنند، قادر خواهند بود با هزینه تمام شده کمتری به تولید کالاها و خدمات بپردازند که نتیجه این امر، بالطبع کاهش قیمت تمام شده محصولات خواهد بود. این امر به معنای افزایش قدرت خرید مصرف‌کننده و افزایش تعداد مصرف کالا در جامعه است که به افزایش تقاضا برای محصول و در نتیجه افزایش تقاضا برای منابع تولیدی می‌انجامد. نتیجه این که افزایش کارایی در تولید، به معنای افزایش تقاضا برای مصرف بیشتر منابع است. ■



به افزایش استفاده از سوخت و تشدید آلودگی‌های ناشی از گازه‌های گلخانه‌ای گردیده است. جلای از میزان انرژی مصرفی در بخش حمل و نقل جهانی، ۹۵ درصد آلودگی در جهان هنوز به واسطه مصرف نفت است.

در حدود یک چهارم کل آلودگی‌های ناشی از اثرات گازه‌های گلخانه‌ای، به دلیل تأثیر مستقیم فعالیت‌های حمل و نقل اعم از زمینی و هوایی است. به علاوه، تجارت خود به خود نیازهای زیربنایی را تشدید می‌کند که این نیازها از جمله راه‌ها، بنادر و فرودگاه‌ها را شامل می‌شوند. کشورهای صنعتی در اروپا و آمریکای شمالی و همچنین آسیا، صادرکننده بخش اعظمی از تولیدات کارخانه‌ای با ارزش افزوده بالا در جهان هستند. در عوض، هنوز بسیاری دیگر از کشورهای دنیا به ادامه جریان صادرات مواد خام معتقدند.

چرخه تولید و مصرف

فشارهای مربوط به سخت‌گیری‌های زیست‌محیطی در رابطه با فعالیت‌های استخراج مواد و فرآیندهای تبدیل و تغییر، بسیار بالا است، اما با همه این احوال بسیاری از کشورهای در حال توسعه در این رابطه به مقابله برمی‌خیزند. افزایش قیمت نفت در سال‌های اخیر، نمونه‌ای از انگیزه‌های قوی خام‌فروشی محصولات مذکور است. این امر از آن جهت حایز اهمیت است که هزینه استخراج مواد معدنی و خام، رقمی ناچیزی می‌باشد.

میزان مواد خام مصرفی برای تولید هر دلار محصول ناخالص داخلی در هر منطقه از جهان، طبق نمودار مصرف مواد خام، در کشورهای آفریقایی بسیار کمتر از

